

سنگ‌های قیمتی یا ارزش احساسات

در زمین می‌توان یافت که ویژگی‌های رنگ و شکل دلنشین دارند ولی سخت نیستند و پس از پرداخت به سبب کوچک‌ترین ضربه یا مالش رنگ خویش را از دست می‌دهند و یا حتی فرو می‌باشند الماس سروری خویش را بر دیگر گوهرها مرهون سختی خویش است.

قیمتی که سنگ قیمتی نام خویش را با اتکال بر آن به دست می‌آورد چیست؟ و پایه این قیمت‌گذاری چیست؟ سواي تعریفی که جامعه‌شناسان برای قیمت می‌کنند، آنچه قیمت را تعیین می‌کند در عرف اقتصادی مسأله عرضه و تقاضا است باید باور داشت که کنسرسيوم بازی بر سنگ‌های قیمتی، به ویژه الماس توانسته است عرضه و تقاضا را متعادل سازد گفته شده که اگر این کنسرسيوم نبود بهای الماس و رنگ بیابان برابر می‌شد هر چند که ما بر این باور نیستیم، زیرا در این صورت همگان دار و ندار خود را فروخته و این رنگ‌ها را انبار می‌کنند افزون بر این، چنین پنداریم که بهای الماس فرو ریزد، آیا بهای گوهر نور و دریای نور هم فرو خواهد ریخت، به طور مسلم نه چون عرضه این گونه‌ها بسیار اندک است. از این‌ها گذشته گرانبها بودن بر پایه ارزش ریالی یا دلاری آن‌ها نیست، این ارزش فکری و احساسی آن‌هاست که بدان‌ها این مقام والا را بخشیده است.

شاید هیچ ملتی را در جهان سراغ نداشته باشیم، که به اندازه ایرانیان اقتصادش بر سنگ و بافلز قیمتی وابسته باشد. اسکناس ما به پشتوان این سنگ‌ها منتشر شد و فلزات و سنگ‌های گران‌بها در اقتصاد جامعه و به ویژه خانوادگی ما به صورت زیرینا در آمده و در این راه نیز اگر چه اهداف چند گانه بوده ولی بسته به وضعیت خانوادگی برخی اهداف روشن‌تر و آشکار خودنمایی کردند. زیورآلات زن در نزد بخشی بزرگ از جامعه‌سنی، نه به عنوان زینت بلکه به صورت اندوخته با افزودگی مطمئن و خزینة به حساب آمد.

رویارو به این واقعیت‌های ملموس و احساسی، دریافته‌ایم که صنعت سنگ گران‌بها و زیورآلات بخشی بزرگ از اقتصاد کشور ماست که سرمایه و نیروی عظیمی را به خویش مشغول داشته است. توسعه این صنعت به سود مصرف داخلی تنها از این جهت زیان‌بار است که سرمایه‌های ارزی فراوان را در سرگردن بانوان محبوس می‌سازد، گو این که این سرمایه در هر حال اندوختنی‌تر از ماشین‌هایی است که پس از ۴ سال در عمل مستهلک شده است.

آدمی سواي صنایع غذایی نیازهای دیگر هم دارد. سقودادن صنعت به سواي نیازهای مادی جامعه یکی از راه‌های اشتغال‌زایی است ولی سواي این قراورده‌ها جامعه نیازهای هنری، روانی و عاطفی دارد و این بازاری است که سبب ارتزاق گروهی از مردم است و اگر با دقت به آن پرداخته شود می‌تواند ارزآور نیز باشد امروزه هندوستان بر بازار زیورآلات بدون نگین فرمانروایی دارد، ما چرا نباید داشته باشیم؟ چرا بازار مصرف ما تنها باید در درون متحرکز باشد، حال آنکه بازاری بسیار مستعد- کشورهای نفت‌خیز عرب- در کنار ما است؟ زیرکون، آمیتیت، کوارتز، فیروزه یا اپیدوت، سرپانتین کانی‌هایی هستند که ما داریم و می‌توانند به عنوان کانی‌های نیمه قیمتی وارد بازار شوند با ذوب سرب در درون کشور نقره به دست می‌آوریم، نقره‌کاری را گسترش دهیم، هنری که زاین را به شکوفایی اقتصادی کشاند.

پی‌بردن به ویژگی‌های پیروالکتریسته، پیروالکتریسته، ایجاد فرکانس‌های همگره رسانی ۰۰۰ در کانی‌ها و زدودن ناهنجاری‌های آن‌ها برای بهتر نمودن این ویژگی، بوسیله رشد آزمایشگاهی کانی‌ها در آزمایشگاه و سپس تولید انبوه آن‌ها، دانش و فن سالاری جامعه بشری را ترقی شگرف داد تا بدان‌جا که رمز پیشرفت آمریکا و ژاپن را رشد بلور و علم مواد دانسته‌اند. در کشور ما هم اینک امکانات ابزاری و فرهنگی چنین کارهایی به خوبی فراهم است چرا بدان نپردازیم؟

دکتر ناصر خوبی

از آغاز فرهنگ، که خود با آغاز آفرینش آدمی هم‌زمان بوده است، آرایش و پیرایش مو و چهره و به کارگیری زیورآلات نیز آغاز شده است. کانی‌ها و سنگ‌های گران‌بها، از دیرباز، از این‌رو ارزشمند به شمار آمده که آدمی به عنوان زیورآلات به کارشان گرفته است. رنگ آمیزی چهره و مو و دست و گردن به رنگ‌ها و سنگ‌های گوناگون همگام با نخستین پژوهش‌هایش برای دست‌یابی به سنگ، که ما عصر حجر نامیده‌ایم و به دوره‌های نو سنگی و پارینه‌سنگی بخشش کرده‌ایم، کوشش نمود که ویژه‌گی‌های خیره‌کننده و یا چشم‌گیر اجسام، مانند زیبایی رنگ، جلا، درخشش و شکل و ۰۰۰ را برای زیباتر نمودن خویش به خدمت گیرد.

در آغاز که جوامع پراکنده‌تر بودند، داد و ستد توانست تنگ‌دستی‌های طبیعت را جبران کند و آنگاه که کشورگشایی‌ها آغاز شد آهنگ روان شدن یک سویه سنگ‌ها به سوی خزین دیوانی در درون کشور و روان شدن یک سویه آن به سوی مراکز اصلی قدرت تندتر و تندتر شد و پس از آنکه پول و ارز در اقتصاد جهانی جایی برای خویش گنوده، تجارت سنگ و فلزات گران‌بها نیز راهی دیگر رفته بهای بالای آن سبب گردیده که دشواری‌های جا به جایی پول از میان برداشته شود و آنگاه که پای ارز و قاپاق آن پیش آمد، وسیله‌ای برای تبدیل ارزها به یکدیگر و گذشتن از مرزها شد. براین گفته گواه می‌آوریم و به واژه زیرکون می‌اندیشیم که در اصل واژه‌ای پارسی است و از «زیرکون» می‌آید، از این‌رو که رنگش همانند زر است و گروهی براین باورند که از «زیرگان» می‌آید زیرا در آنجا ریزدانه‌هایش دیده شده است ولی از هرکجا بیاید یک چیز مسلم است، خانم‌هایی که در ایران باستان و پیش از آن در این مرز و بوم می‌زیست‌اند آن را آویزه خویش می‌کرده‌اند یا به قیروزه پیانده‌ایم که مجسمه‌های ساخته شده از آن در موزه هنر ۷۰۰۰ ساله ایران در پاریس همگان را به شگفتی واداشت و قدح ساخته شده از آن، آنگاه که به فرمان عمرین خطاب پس از به چنگ آوردن کاخ مداین تکه تکه شد و به عنوان غنیمت جنگی سپاهی را خشنود ساخت ولی همین سنگ که ریشه‌ای زرف در تاریخ چند هزار ساله این مرز و بوم دارد در فرهنگ جواهرشناسی یا کانی‌شناسی جهان «تورگیز» یا «تورکواز» نام گرفته است.

انگیزه‌های کاربرد و رواج زیورآلات را می‌توان به دو گروه بخش کرد، زیبایی و اقتصادی. این که زیبایی چیست نمی‌دانیم. ترکیبی از پدیده‌های فیزیکی می‌تواند دلنشین باشد، نمونه‌وار، ارتعاش‌هایی با بسامدهای معلوم بر گوش خوش آیندند که نت‌های موسیقی باشند و ترکیب نت‌هایی در چهارچوب گام می‌تواند آهنگ‌های دلنشین شود این بدان معنی است اصوات بیرون از آن مایه‌ها و یا نت‌های ترکیب شده بیرون از این گام‌ها دلنشین نخواهد بود. گروهی براین باورند که هر چیز خوش آیند روان آدمی یا هر اثر هنری که بتوان زیباش نامید، ترکیب اجزایش باید بر پایه گام موسیقی باشد، چه این ساختمان باشد، چه درخت و چه چهره یک انسان.

در یک کانی نیک نیک ویژگی‌ها و یا ترکیب هر ویژگی می‌تواند دلنشین افتد نمی‌توان گفت که انسان نیز باید از همان قوانین و قواعد آهنگ‌های موسیقی پیروی کند یا نه، ولی یک چیز واضح است که یک کانی برای همگان زیباست. در سنگ گران‌بها رنگ پدیده‌ای تعیین‌کننده است و این رنگ چیست؟ طیفی از انرژی نورانی، پدیده آمده از بسامدهای ۲۸۰۰ تا ۷۰۰۰ انگسترام، و فرآورده‌تحریک لایه‌های بیرونی اتم‌ها به هنگام برخورد با اجسام، بخشی از انرژی خویش را از دست می‌دهند و آنچه در این فرایند بر جای می‌ماند به گونه یک طیف به سوی ارگانیزم می‌آید و بر آن تأثیر می‌گذارد ارگانیزم طیف کاسته شده یعنی بخشی از دسته رنگ‌ها را در طیف نور نمی‌تواند ببیند و بدین‌سان رنگ جسم نمایان می‌شود.

شکل گوهر خود یکی از این نت‌ها است. گرانش های علمی طبیعی‌اش را می‌پسندد و هنر، تراشیده‌اش را سختی ویژگی دیگر گوهر است. سنگ‌هایی فراوان

